اعلامیه سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م) در گرامیداشت از روز جهانی طبقه کارگر

(اول می 2026 میلادی)

کارگران افغانستان، در برابر ارتجاع خونخوار طالبان، متحد شوید!

آنچه امروز زیر ساطور و چکمه طالبان در افغانستان می گذرد، اختناق یا سرکوب ساده نیست، بلکه یکی از بزرگترین بحران های انسانی در جهان امروز است. 45 درصد از جمعیت کشور - حدود 21.9 میلیون انسان بی دفاع- در وضعیت دشوار و نیازمند به کمک های به اصطلاح " بشردوستانه" به سر می برند. از این شمار، 17.5 میلیون تن یعنی بیش از سه چهارم آنان زنان و کودکانی اند که دستخوش ددمنشانه ترین خشونت ها از سوی وحشیان طالبی گردیده اند. خشک سالی طی سالیان متمادی، از سویی دسترخوان کشاورزان را تهی نموده است، از دیگر سو، با تعمیق هر چه بیشتر فقر و ناداری، صحت و سلامتی بخش اعظم نفوس کشور را در معرض تهدید جدی قرارمی دهد. در دو سال واپسین، یک سوم جمعیت کشور با ناامنی غذایی در سطح بحرانی یا بدتر از آن- مطابق تعریف طبقه بندی یکپارچه فاز امنیت غذایی (IPC) مواجه گردیده اند. خشکسالی های مداوم در بسا از مناطق با از میان رفتن نزدیک به 80 درصد از محصولات گندم دیمه، بحران غذایی را حدت و شدت بی سابقه یی داده است. تهاجم نظامی اخیر امپریالیسم امریکا-شرکا بر ایران، همانگونه که مهاجران افغانستانی در ایران را در معرض تهدیدات جانی و معیشتی قرار داده است، در داخل کشور نیز- با توجه به فضای متشنج نما میان " طالبان" و بخش هایی از قشر حاکم در پاکستان-، از آنجایی که اینک بخشی از واردات اقلام اولیه و ضروری از طریق و کشور ایران است، بر وضعیت قیم تاثیر گذاشته و محدودیت میزان دسترسی به محصولات وارداتی، مردم ما را در تنگناهای بیشتری قرار داده است. رژیم آخوندی ایران، از دهه های متمادی بدین سو، وحشیانه ترین و هارترین رفتار را نسبت به هم میهنان مان داشته است. از دیگر سو، از نیمه دوم سال 2025 بدین سو، رژیم سرکوبگر پاکستان اقدام های " مهاجر ستیزانه" خویش را شدت تام بخشیده است. تنها در سال 2025 میلادی حدود پنج میلیون " مهاجر" دوباره به افغانستان برگشته اند. از این میان، 2.6 میلیون آن، " پناه جویانی" بودند که بوسیله رژیم های سرکوبگر و " مهاجر ستیز" پاکستان و آخندی ایران، به افغانستان اخراج گردیده اند. در داخل کشور، 17.4 میلیون تن از امنیت غذایی محروم گردیده اند، و ورشکسته گی کشاورزی کشور، عمدتا این محرومیت را تداوم بخشیده است. از دیگر سو، 15.9 میلیون تن هنوز به آب آشامیدنی مکفی و صحی، و شرایط مناسب بهداشتی دسترسی ندارند. حدود 15 میلیون تن یعنی حدود یک سوم نفوس کشور، از محافظت در برابر خشونت های ساختاری و هدفمندانه تروریست های طالبی برخوردار نبوده، بی دفاع قرار دارند. 14.4 میلیون تن از هم میهنان مان دسترسی بایسته به خدمات اساسی صحی ندارند و 7.5 میلیون تن در وضعیت اسفبار از لحاظ تغذیه، نومیدانه به سر می برند. حدود 7.1 میلیون تن نیز از دسترسی بسنده به آموزش محروم اند. حدود 4.2 میلیون تن دستخوش پناهیدن به سرپناه اضطراری بوده، مواد غیر خوراکی ضروری و لازم را دارا نمی باشند. از میان برگشت کننده گان طی دو سال اخیر به افغانستان، حدود 31 درصد آنرا زنان و کودکان تشکیل میدهند. اینان علاوه بر محرومیت از شرایط معیشتی مناسب و حداقل " بخور نمیر"، مورد آزار، اذیت و شکنجه طالبان و ایادی وجدان باخته طالبی قرار گرفته اند. بر مبنای آمار منتشره، 80 درصد زنان برگشته به وطن، از آزار و محدودیت آزادی ها و حتی محدودیت حق گشت و گذار شاکی اند. از سال 2024 تا اکنون (اول می 2026)،

روند " کارگر شدن/ پرولتریزه شدن" کودکان نیز افزایش تندی داشته است. فقر، سرکوب، ناامنی، اختناق و سیطره اولترا فاشیسم "اسلامی" طالبانی، سبب پرولتاریزه شدن کودکان، و انباشت شدن " بازار کار" از کودکان کارگر شده است، پدیده ای که علاوه بر استثمار شدید کودکان، سلامت جسمی، روانی و شخصیتی آنان را در خطر افگنده، و کودکان را آماج انواع آزار و شکنجه قرار داده است. شماری از این کودکان کار، قربانیان وحشی گری های " جنسی" طالبان و زورمندان وابسته به " طالبان" گردیده، برخی ها به بردگی جنسی و " ازدواج اجباری" کشانیده می شوند. مهمات انفجاری و ماین ها و مهمات منفجر نشده به اصطلاح UX0 از دشمنان " خاموش" دیگری است که جان بیش از 15000 کودک را گرفته است. برای آنکه به عمق این فاجعه ضد بشری پی ببریم، به یاد بیاوریم که 43 فیصد از تلفات اطفال جهان ناشی از UX0 را کودکان افغانستان تشکیل میدهند! تنها در سال 2025 میلادی، ماهانه حدود 40 نفر از سبب انفجار ماین ها و مهمات مذکور، جان باخته یا زخمی گردیده اند. در آغاز سال 2026 میلادی، 10.7 میلیون زنان و دختران، در وضعیت نیازمند به "کمک های بشر دوستانه" قرار گرفته اند. رژیم های حاکم کشور های مدعی کمک به این زنان و دختران بی دفاع، همان رژیم هایی اند که افغانستان را جهت پیشبرد آمال و اغراض امپریالیستی خویش، به اصطلاح " دو دسته" به ارتجاع هار طالبی تسلیم نمودند. افغانستان به عنوان " یکی از خطرناکترین کشور های جهان برای زنان و کودکان" در صدر تیتر اخبار جهان است، اما هنوز مشتی مدعی " اسلامیت و افغانیت"، با تمسک به شوونیسم تک قومیتی و بازی ابزاری با " اسلام سیاسی"، خواهان غازه مالیدن بر رخسار پلید و اهریمنی طالبان اند. بر بنیاد آمار منتشره، میزان مرگ و میر مادران در سال 2024، در هر 100.000 تولد زنده، به 638 تن می رسد، و این بزرگترین رقم آمار مرگ و میر در کشور های آسیایی، و هفتمین رقم در سطح جهان می باشد. این همه در حالی است که طالبان تروریست، دروازه های آموزش و تحصیلات عالی را بروی دختران بسته اند، زنان را از فرصت های آموزشی و تحصیلاتی باز داشته ، به " قفس منازل" کشانده، و مانع کار آنان در اجتماع و ادارات گردیده اند. بر بنیاد صندوق کودکان سازمان ملل متحد(یونیسف):

"اگر محدودیت‌های فعلی در مورد آموزش دختران و اشتغال زنان ادامه یابد، افغانستان تا سال ۲۰۳۰ با کمبود بیش از ۲۵۰۰۰ معلم و کارمند بهداشت زن مواجه خواهد شد.طبق این تحلیل، خسارات پیش‌بینی‌شده - شامل تا ۲۰۰۰۰ معلم و ۵۴۰۰ کارمند بهداشت - دو بخشی را که به شدت به زنان متکی هستند و در حال حاضر تحت فشار هستند، تهدید می‌کند."
افزایش مرگ و میر مادران، بدین ترتیب، نه " امری طبیعی" بلکه تابعی است از عواملی که خود منبعث و برخاسته از متن سیاه " حاکمیت" زن ستیز، ضد ترقی و ماورای فاشیستی طالبان اند. طبق گزارش یونیسف، در سال ۲۰۲۴، تخمینا ۳.۸ میلیون دختر ۷ تا ۱۸ ساله - حدود ۶۱ درصد از این گروه سنی - از مدرسه خارج شده‌اند، از جمله بیش از ۲.۶ میلیون دختر نوجوان. از زمان تعلیق آموزش متوسطه دختران در سال ۲۰۲۱، حداقل یک میلیون دختر مستقیماً تحت تاثیر قرار گرفته‌اند و اگر محدودیت‌ها همچنان پابرجا باشند، انتظار می‌رود این تعداد تا سال ۲۰۳۰ از دو میلیون نفر فراتر رود. بدین ترتیب، در زیر چکمه های خونین و ضد ترقی و زن ستیز طالبانی، سالانه 250000 دختر از ادامه تعلیمات در سطح ثانوی باز می مانند. یونیسف - البته بر بنیاد موازین و سنجش های بورژوا پسندانه خودش، عمق فاجعه را تخمین می‌زند که محدود کردن آموزش و

مشارکت زنان در نیروی کار، سالانه حداقل ۵.۳ میلیارد افغانی یا حدود ۸۴ میلیون دلار برای افغانستان هزینه دارد - تقریباً ۰.۵ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور.
میلیونها دختر از ادامه تعلیم باز ماندند، صد ها هزار دختر از تحصیلات عالی محروم ساخته شدند و زنان از کار کردن در بیرون از منزل منع شدند. این است چهره و سیمای ضد انسانی و ضد ترقی اولترا فاشیسم " اسلامی" طالبان. اثرات زیانبار این سیطره سیاه و سایه آن بر آینده مملکت را از همین حالا می توان برشمرد: از هر دو طفل، یک تن دچار " قد کوتاه" گردیده، و 2.1 میلیون طفل زیر دو سال، در فقر غذایی دست و پا می زنند. تنها در این رده سنی، حدود 80 درصد از موارد سوء تغذی حاد شدید و سوء تغذی حاد متوسط دیده می شود. بر مبنای تخمین نهاد های حقوق بشری، 11.4 میلیون نفر در زیر سیطره وحشیانه طالبان، با خطرات بلند خشونت مبتنی بر جنسیت مواجه بوده و 7.2 میلیون طفل تشویش مربوط به محافظت اطفال را داشته اند. از همین جا است که به درستی اخیرا افغانستان زیر چکمه های طالبان را " گورستان حقوق بشر" نامیده اند. سرکوبگری ها، وحشی گری ها، و جنایات ضد بشری طالبان محدود به موارد نمونه یی بالا هرگز نیست. در هیچ راستا و عرصه یی از عرصه های حیات فردی و اجتماعی مردم کشور مان نیست که نتوان رد پای یا اثرات قویا مرگبار ارتجاع خون آشام طالبی را نتوان یافت. کارگران افغانستان، به مثابه آینده سازان کشور، به مثابه نیروی فعالی که چرخه حیات اقتصادی کشور را می گردانند، نه تنها چونان برده گان مورد استثمار و سرکوب ارتجاع هار طالبی واقع گردیده اند، بلکه با خون شان آسیای سود به نفع غارتگران معادن و کانیها می چرخد. به گونه نمونه، هزاران کارگر به کار ارزان و بسا به اجبار و بیگار، به معادن در ولایات بدخشان، تخار، پنجشیر و... کشانیده شده اند. کارگران بومی ولایات مذکور، آماج و مقهور ستمگری های چندین لایه طبقاتی، سمتی، منطقه یی، قومیتی، مذهبی و زبانی اند. ارتجاع ماورای فاشیستی " اسلامی" طالبی، با پیاده نمودن بخش هایی از برنامه های " شوونیستی" و با ابزار قرار دادن " حاکمیت تک قومی" و " اسلامیت و افغانیت" به مثابه ابزار سرکوب، در قلزم خون کارگران کشتی می راند. کیست که از غارت و تاراج معادن بدخشان، تخار و پنجشیر بی خبر باشد؟ " اسلامیت و افغانیت" طالبانی ،با بی شرمی حیرت آور، خود را مالک الرقاب اعلان نموده، و با اشغال سرزمین های اقوام ستمدیده، با غارت و چاپیدن معادن، مراتع، دارایی ها و هست و بود مادی شان، " دیگران" را به بند میکشد، محیط زیست را به تباهی می کشاند و در میان آوار و خاکستر، درفش سود را به نفع سرمایه داری امپریالیستی و باداران منطقه یی و بین المللی خویش به اهتزاز در می آورد. تنها کارگران به مثابه پیشاهنگ ترین طبقه در آوردگاه مبارزه طبقاتی اند که می توانند در برابر" حاکمیت" پوشالی و مزدور بیگانه طالبی، با قاطعیت و قوت تام صف آرایی کنند. امثال " فوزیه کوفی" ها، " سیاف" ها، " حاجی محمد محقق ها" ... هرگز نمی توانند " سیال" طالب باشند! در برابر ارتجاع طالبانی، تنها درفش دورانساز و ترقی خواهانه طبقه کارگر را می توان با افتخار و اطمینان خاطر برافراشت. سازمان کارگران افغانستان، در اول می 2026 میلادی، کارگران کشور را با شعار زیر، به میدان های داغ نبرد علیه ارتجاع اولترا فاشیستی " طالبان" فرا می خواند:

"کارگران افغانستان، در برابر ارتجاع خونخوار طالبان، متحد شوید!"

تنها نیروی دورانساز طبقه کارگر است که با استقرار دموکراسی نوین، پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین، نوید آینده ِ رهیده از بند انواع ستمگری و استثمار را به ارمغان خواهد آورد. از همین رو، بر زحمتکشان افغانستان و روشنفکران ترقی خواه است که در کنار کارگران مبارز ایستاده، زیر درفش سرخ انقلاب کارگری، در برابر ارتجاع ماورای فاشیستی " اسلامی" طالبانی صف آرایی کنند.

انقلاب زنده باد!
یا مرگ یا آزادی افغانستان !
مرگ به امپریالیسم و چاکران ارتجاعی آن!
در راه انقلاب دموکراتیک نوین به پیش!
اول می 2026 میلادی
سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)